

حق بر محیط زیست و رسانه؛ پژوهشی درباره تعهدات مرتبط با رسانه در کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیستی

علی مشهدی^۱

چکیده

حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در گفتمان حقوق بشر در زمره نسل سوم این حقوق قرار دارد. در اسناد بین‌المللی محیط زیستی متعددی به نقش رسانه بر آگاهی‌بخشی و مشارکت در فرآیند دسترسی به آموزش، مشارکت و اطلاع‌رسانی محیط زیستی پرداخته شده است. در این مقاله سعی شده است با روش تحلیلی و توصیفی با ارجاع ویژه به نقش رسانه در تضمین حق بر محیط زیست سالم به تعهدات رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی محیط زیستی دولت‌ها در اسناد و کنوانسیون‌های پایه محیط زیستی پرداخته شود. سؤال اصلی این است چه نسبتی میان رسانه و ایفای تعهدات محیط زیستی بین‌المللی در تضمین و ارتقاء بعد حق بر اطلاع‌رسانی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی وجود دارد. فرض اساسی این مقاله در پاسخ به پرسش اصلی این است که با بررسی و تحلیل برخی اسناد بین‌المللی محیط زیستی می‌توان تعهداتی را در ارتباط با رسانه و محیط زیست شناسایی کرد. مهم‌ترین یافته جدید این مقاله تبیین ارتباط میان حق بر محیط زیست و رسانه در چارچوب تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیستی است.

واژه‌های کلیدی: رسانه، تعهدات رسانه‌ای، حق بر محیط زیست، حق بر اطلاعات محیط زیستی، کنوانسیون‌های بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

droitenviro@gmail.com

DOI: 10.22034/IMRL.2023.408378.1189

مقدمه

امروزه رسانه نقش بی‌بدیلی در زمینه ترویج و ارتقاء حمایت از محیط زیست دارد. با این حال رسانه‌ها و ارتباطات همواره نقشی چندوجهی در تولید و گردش دانش محیط زیستی در جوامع ایفا نموده‌اند و این نقش همچنان در حال تکامل است (Lester, 2020: 321). از منظر دانش رسانه و محیط زیست، حق بر محیط زیست سالم در مؤلفه‌های حق بر اطلاعات محیط زیستی، حق بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی و نیز حق بر آموزش، به مراتب اهمیت بیشتری دارد. در اسناد بین‌المللی محیط زیستی نیز به نقش رسانه در تأمین این مؤلفه‌ها به حق بر محیط زیست ارجاع داده شده و تعهداتی را نیز در این زمینه برای دولت‌ها برشمرده شده است. تا آنجا که به مسائل زیست‌محیطی مربوط می‌شود، رسانه‌ها چه به‌عنوان مخابره‌کننده خطرات^۱ و مشکلات محیط زیستی (وجه سلبی) و چه به‌عنوان ترویج دهنده^۲ حفاظت از محیط زیست، (وجه ایجابی) می‌توانند به نوعی، زمینه پیشرفت مردم را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر از نظر زیست‌محیطی و پرورش آگاهی‌های زیست‌محیطی هموار کنند.

علاوه بر این، رسانه‌ها می‌توانند به افراد و جوامع کمک کنند تا از تأثیر اقدامات آنها بر محیط زیست آگاه شوند که این امر از طریق تأمین حق بر آموزش فراهم می‌شود. در این میان رسانه‌های جمعی نقش مهمی در ایجاد آگاهی محیط زیستی در بین مردم دارند (Alwi Dahlan, 1989: 219). از سویی دیگر گسترش استفاده از رسانه‌های دیجیتال و به ویژه اینترنت، زمینه‌های خوبی را برای دولت‌ها برای ترویج حمایت و حفاظت از محیط زیست فراهم آورده است (Liu, P., Han, 2021: 105). برخی حتی سخن از ترمینولوژی جدیدی تحت عنوان «ارتباطات محیط زیستی»^۳ نموده‌اند (منتظر قائم، ۱۳۹۵: ۷) و (Hansen 2018: 1). در ارتباطات زیست‌محیطی چگونگی تهیه، توزیع، دریافت، فهم و استفاده از پیام‌های مرتبط با محیط زیست و نحوه تعامل جامعه با آن بررسی می‌شود (گودرزی، ۱۳۹۴: ۹). اتخاذ برخی روش‌های جدید رسانه‌ای مبتنی بر اینترنت می‌تواند کم هزینه و سبز (دوستدار محیط زیست) نیز باشند. رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات زیادی در مورد جهان و حفاظت از آنها در دسترس دولت‌ها و شهروندان قرار دهند. در این راستا از زمان شکل‌گیری مفهوم حق بر محیط زیست در متون و اسناد بین‌المللی، اسناد بین‌المللی حقوق بشر و محیط

-
1. Risk communicator
 2. Promoter of data
 3. Environmental communication

حق بر محیط زیست و رسانه؛ پژوهشی درباره تعهدات مرتبط با رسانه در کنوانسیون‌های ... ۱۶۷



سال هفتم / شماره دوم / شماره پیاپی دهم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

زیست اعم از اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های محیط زیستی اشارات متعددی به نقش‌ها و کارکردهای مختلف رسانه در این زمینه داشته‌اند. در عصر کنونی، رسانه‌ها کارکردهای متنوعی نظیر کارکردهای نظارتی، حمایتی، نظم دهنده، آموزش دهنده، بازتاب دهنده و معلومات دهنده دارند. با توجه به پیوند خوردن بحث حق بر محیط زیست سالم با موضوعات حقوق بشری و شکل‌گیری نظریه «حقوق بشر محیط زیستی»، کارکرد رسانه در این خصوص اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. بر این اساس پرسش اساسی این پژوهش این است چه نسبتی میان رسانه و ایفای تعهدات محیط زیستی بین‌المللی در تضمین و ارتقاء بعد حق بر اطلاع رسانی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی و ترویج آموزش در این زمینه وجود دارد؟ فرض اساسی این مقاله در پاسخ به این پرسش این است که با بررسی و تحلیل برخی اسناد بین‌المللی محیط زیستی می‌توان تعهداتی را در ارتباط با رسانه و محیط زیست شناسایی کرد. در این نوشتار سعی شده است ابتدا با معرفی ابعادی از حق بر محیط زیست که به موضوع رسانه و نقش آن پیوند می‌خورند اشاره و سپس در قسمت دوم به رویکرد اسناد بین‌المللی محیط زیستی پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان و سال	محور اصلی
۱	رسانه و محیط زیست؛ مقدمه‌ای بر ارتباطات زیست محیطی	منتظر قائم و همکاران، ۱۳۹۵	ارتباط میان رسانه و بحران محیط زیست بدون اشاره به ابعاد حقوقی
۲	رسانه‌ها و توسعه حقوق محیط زیست	دبیری و واحد، ۱۳۹۰	ابعاد رسانه‌ای حقوق محیط زیست در حقوق داخلی
۳	رابطه بین حقوق محیط زیست و نقش رسانه‌ها	رستمی، ۱۳۹۳	مناسبات میان حقوق محیط زیست و نقش رسانه‌ها
۴	گسترش نقش رسانه در حفظ محیط زیست	ام‌ای داهلان ^۱ ، ۱۹۹۴	بررسی برخی ابعاد رسانه‌ای محیط زیست
۵	رسانه، محیط زیست و شبکه اجتماعی	اندرسون ^۲ ، ۲۰۱۴	بررسی برخی از ابعاد رسانه‌ای حفاظت از محیط زیست
۶	محیط زیست و رسانه	لستر ^۳ ، ۲۰۲۰	به نقش رسانه در یک نگاه غیر حقوقی و کلی پرداخته است.
۷	رسانه‌های فرانسوی علیه اکولوژیسم	سنتنی ^۴ ، ۱۹۹۴	نقد عملکرد رسانه‌ها در زمینه محیط زیست.

1. Dahlan
2. Anderson
3. Lestr
4. Sainteny

با توجه به پیشینه پژوهش، مقاله حاضر واجد نوآوری است.

چارچوب مفهومی

به لحاظ مفهومی، حق بر محیط زیست مجموعه‌ای از حقوقی است که انسان‌ها از آن جهت که در این محیط زندگی میکنند برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آن بهره‌مند باشند. در یک تعریف جامع گفته شده است حق بر محیط زیست «حق مسلم بشری و غیر قابل اعراض که به موجب آن هر فرد انسانی و کلیه انسان‌ها به نحو جمعی استحقاق سهیم شدن و برخوردارگی از محیط زیست سالم را توأم با مسئولیت جمعی حفظ سلامتی محیط زیست به منظور حفظ سلامت انسان (اعم از نسل حاضر و آینده) و توسعه همه جانبه (اقتصادی، و اجتماعی و فرهنگی) دارا می‌باشند (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲۴). بر اساس سند استکهلم حق بر محیط زیست به «حق بهره‌مندی انسان از آزادی و رفاه و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به وی اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندی را می‌دهد» تعریف می‌شود. بر اساس منشور آفریقایی حقوق بشر (ماده ۲۴) حق بر محیط زیست در یک مفهوم مستقل از سایر حقوق بشر ارائه می‌گردد و رویکردی را تقویت می‌کند که حق بر محیط زیست به مثابه یک حق مستقل برای مردم باشد (مشهدی، ۱۳۹۶: ۹). مفهوم «حقوق محیط زیستی»^۱ نیز بیشتر برای بیان این منظور استفاده می‌شود و منظور از آن، آندسته از حقوق بشری است که به مسئله حمایت از محیط زیست پیوند می‌خورد (Kiss, 1997: 85). بر این اساس «حق برخوردارگی از محیط زیست سالم» را در چندین حق بشری شناخته شده‌دیگر نیز می‌توان پیدا کرد. برای نمونه، حق سلامتی و تندرستی که در معاهدات و توصیه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. حق برخوردارگی از یک معیار بالای سلامتی جسمی و روحی، حق آزادی و امنیت، حق برخوردارگی از سطح زندگی مناسب، حق برخوردارگی از شرایط کاری مناسب، حق داشتن خانه و حق داشتن غذا، همگی وابسته به محیط زیستی است که بتواند حیات بشر را تضمین کند.» (پارسا، ۱۳۷۷: ۱۳۷) فرانسوا آنوکا^۲ در مقاله خود در زمینه حق بر محیط زیست سعی نموده است تا تعریفی جامع، مانع و مبسوط از این حق ارائه نماید. وی حق بر محیط زیست را اینگونه تعریف نموده است: «حق بر محیط زیست امتیازی است که برای یک شخص یا جمع یا دولت برای بهره‌مندی از عناصر طبیعی، انسانساخت و همچنین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مورد شناسایی قرار گرفته است» (Anoukaha, 2002: 15).

1. Environmentalrights
2. Anoukaha



۱. مؤلفه‌های رسانه‌ای حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست سالم در اسناد پایه‌ای متعددی مورد شناسایی قرار گرفته است. برخی از مؤلفه‌های حق بر محیط زیست ارتباط مستقیمی با نقش رسانه‌ها دارند. در ادامه به سه حق مهم «دسترسى به اطلاعات محیط زیستی» و «حق بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی» که در کنوانسیون آرهوس^۱ مورد اشاره قرار گرفته است (پالمرتز، ۱۳۸۸). و نیز «حق بر آموزش محیط زیست» که با رسانه ارتباط بیشتری دارد، پرداخته می‌شود.

۱-۱- حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی

دسترسى به اطلاعات محیط زیستی از منظر رسانه‌ای اهمیت فراوانی دارد. بویژه این موضوع در رسانه‌های کشورهای کمتر توسعه یافته با چالش‌های خبر رسانی نیز مواجه است (Magnom, 1996: 41). از جمله اینکه خبر رسانی در زمینه محیط زیست ممکن است ابزاری سیاسی یا دغدغه‌ای اکولوژیکی برای رسانه‌ها باشد (Rahmani et al, 2021: 1621). آگاهی محیط زیستی به معنای اطلاع از وضعیت محیط زیست طبیعی و انسانی و روش‌هایی است که به جای آسیب رساندن به زمین، به نفع محیط زیست است. آگاهی محیط زیستی درک شکنندگی محیط زیست و اهمیت حفاظت از آن است که رسانه‌ها می‌توانند آنرا ترویج نمایند. مردم می‌بایست درک کاملی از مسائل محیط زیستی مانند جنگل زدایی، آلودگی محیط زیست، بحران آب، گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی، از دست دادن تنوع زیستی، از بین رفتن اکوسیستم‌ها و غیره داشته باشند. آن‌ها باید بدانند که هر یک از اقدامات ما می‌تواند تأثیر عمیقی در این چرخه بگذارد. به عنوان مثال بیانیه اصول جنگل از اسناد پایه و مهم کنفرانس ریو^۲ در مورد حفاظت از جنگل‌ها در بند (ج) فراهم آوردن اطلاعات صحیح و به موقع و معتبر درباره جنگل‌ها و سیستم‌های زیست‌محیطی جنگل‌ها برای ایجاد آگاهی عمومی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه را ضروری خوانده است.

افزایش حوادث محیط زیستی در کشورها و آثار زیانبار برخی تغییرات طبیعی و انسانساخت در محیط زیست، باعث گردید تا مردم حق داشته باشند از تغییرات محیط زیستی اطراف خود اطلاع

1. Aarhus Convention

۲. کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست و توسعه از سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شد. این کنفرانس، بیانیه رسمی اولین کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل متحد در زمینه محیط‌زیست را که در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ در استکهلم تأیید، تصویب و صادر شده بود، مبنای کار خود قرار داد.

پیدا نمایند. معمولاً دولت‌ها نیز با توجه به ماهیت اطلاعات، به موجب مقررات، مکلف به ارائه اطلاعات هستند. این امر در واقع در راستای تصمیم و اقدام به موقع مردم در حل مشکلات محیط زیستی است. این حق ناشی از این امر است که «در واقع هر فردی باید جدا از دولت، مراقب حفاظت از محیط زیست باشد.» (ویژه، ۱۳۸۵: ۷۹) مبنای توجیهی شناسایی این حق برای شهروندان این امر مهم است که قرار دادن یا دستیابی شهروندان به اطلاعات در خصوص وضعیت محیط زیست، عوامل تخریب و خطرات احتمالی می‌تواند منجر به پیشگیری از مخاطرات و کاستن از عواقب حوادث و آلودگی باشد (مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۴۱).

۲-۱- حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی

رسانه‌ها می‌توانند زمینه مشارکت در تصمیمی‌گیری‌های محیط زیست را فراهم نمایند. در برخی از اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۰ اعلامیه ریو، بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بر حق بر مشارکت اشاره شده است. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی می‌تواند به معنای مشارکت با دولت یا مشارکت شهروندان با خود و عناصر غیر دولتی باشد (پیری و قاسمی، ۱۳۸۸: ۴). در برخی کشورها به دلیل آثاری که ممکن بود تصمیمات محیط زیستی بر سلامتی، ایمنی و منافع شهروندان و گروه‌های مختلف بگذارد، نظام حقوقی به این سمت رفته است تا امکان مشارکت عموم و گروه‌های ذینفع را در اتخاذ تصمیمات محیط زیستی فراهم نماید. در نظام حقوقی ایران نیز برخی قوانین و مقررات به صورت غیر مستقیم تأمین‌کننده چنین امری هستند. از جمله اصل ۱۱۸ و بند ۸ اصل سوم قانون اساسی، مواد ۵۱ و تبصره ۴ ماده ۵۰ و ماده ۴۵ قانون تشکیلات و وظایف انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی، مواد ۳۰ و ۶۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۷۲. به نظر می‌رسد، پیش‌بینی و رعایت لوازم مشارکت عموم و ذینفعان در اتخاذ تصمیم‌های محیط زیستی و عمومی می‌تواند آثار مهمی در پیشگیری از برخی از دعوی محیط زیستی و بالا بردن استانداردها و اطمینان از اجرای پروژه‌های محیط زیستی داشته باشد.

۳-۱- حق بر آموزش و محیط زیست

ظرفیت فوق‌العاده رسانه‌ها در زمینه تهیه اطلاعات، ساخت دانش، پرورش مهارت‌ها و نگرش‌ها، سال‌ها به‌طور علمی ثابت شده است. آموزش محیط زیست فرایندی است که به افراد امکان



بررسی مسائل محیط زیستی، مشارکت در حل مسائل آن و اقدام برای بهبود محیط زیست را می‌دهد. مولفه‌های اصلی آموزش محیط زیست عبارتند از: آگاهی، حساسیت، دانش، نگرش، مهارت، نیت، مشارکت و رفتار (کرمی، ۱۳۹۸: ۱۹۵). حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی متعدد حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. یکی از زمینه‌های تخصصی مرتبط، آموزش مسائل مرتبط با حفاظت از محیط زیست است. رسانه‌ها می‌توانند با آموزش مسائل محیط زیستی در تسهیل و ارتقاء زمینه‌های حفاظت از محیط زیست سهم مهمی داشته باشند (SoleimanpourOmran, 2014: 143). همچنین آموزش از طریق رسانه نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری و درونی کردن منابع تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، به خصوص مشارکت، ایفا می‌نماید. (تقوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۷) برای مثال چینی‌ها به مدد فعالیت رسانه‌ها با افزایش درآمدها و سطح سواد، روز به روز درباره ضرورت حمایت از محیط زیست آگاه تر شده‌اند. در یک مطالعه‌ای که در دهه نود قرن بیستم انجام شد، مشاهده شده است جوامعی که بهتر آموزش دیده‌اند و ثروتمندتر هستند توجه بیشتری به وضع و اجرای مقررات زیست محیطی پرننگ تردارند. این آگاهی را می‌توان به پوشش رسانه‌های گروهی در خصوص وقایع زیست محیطی نسبت داد. آن‌ها به مردمی که در خانه‌هایشان زندگی می‌کنند در خلال برنامه‌ها تصویری واقع-گرایانه در مورد تخریب جنگل‌ها ارائه کرده بودند. در نتیجه این پوشش رسانه‌ای تعداد زیادی از مردم درباره تاثیرات منفی هوای آلوده، آب آلوده و غذای فاسد آگاهی بیشتری پیدا کردند. به سختی می‌توان گزارش‌های مفصل رسانه‌ها در مورد موضوع جنگل‌برانی‌ها (یکی از رودخانه‌های خارجی را نادیده گرفت (Zarsky, 2002: 199). تعدادی از اعتراضات مردمی بسیار جدی علیه تخریب محیط زیست شامل یکسری از وقایعی که در طول رودخانه هوای هو^۱ (یکی از رودخانه‌های معروف چین) جایی که مردم از آب آشامیدنی سالم محروم بودند و هیچ وقت توسط رسانه‌های رسمی پوشش داده نمی‌شد اتفاق افتاد و در اثر این حوادث دولت چین اغلب مجبور شد که عکس‌العمل نشان دهد. از نیمه سال ۱۹۹۶ به بعد مبارزه شدید چینی‌ها علیه دفن زباله‌های خارجی به عنوان یک مسئله عمومی و فراتر از سایر موضوعات آغاز گردیده است. برای دولت چین پوشش روزمره واردات غیر قانونی زباله‌های خانگی و صنعتی مخرب محیط زیست ممکن نبود، به ویژه آن که در برخی از گزارش‌ها و تحقیقات رسانه‌های دولتی چین نیز بدان پرداخته شده بود. در چین موضوع دفن زباله‌های خارجی منجر به بروز مناقشات سیاسی بین دولت و

رسانه‌ها درباره اعمال نامطلوب و غیر اخلاقی در تجارت بین‌الملل شد. سازمان‌های غیر دولتی نیز در این زمینه ظهور کرده‌اند. علیرغم این حقیقت که دفن زباله‌های خارجی دارای آثار مهمی بر کیفیت محیط زیست و زندگی روزمره مردم دارد، عموم مردم این مسئله را درک نکرده‌اند. علاوه بر این آموزش رسانه‌ای می‌تواند در ارتقاء رویکرد و عملکرد و دانش محیط زیست، نقش اساسی داشته باشند (Priest, 2022: 367). افزایش آگاهی محیط زیستی به معنای اطلاع از وضعیت محیط زیست طبیعی و انسانی و روش‌هایی است که به جای آسیب رساندن به زمین، به نفع محیط زیست است.

۲- رویکرد اسناد بین‌المللی محیط زیستی به جایگاه رسانه (در ارتباط با اطلاع‌رسانی، آموزش و مشارکت)

در اسناد بین‌المللی محیط زیستی متعددی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به نقش رسانه در تضمین این حق ارجاع داده شده است. به گونه‌ای که تأمین مولفه‌های پیش گفته درباره حق بر محیط زیست، نیازمند نقش فعال رسانه‌ها است. در ادامه به برخی از این اسناد خواهیم پرداخت.

۲-۱- کنوانسیون تنوع زیستی

رسانه‌ها از طریق انتشار وقایع و عکس‌های حیات وحش می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از تنوع زیستی داشته باشند (Chowdhury et al, 2023: 42). برای نمونه در پژوهشی نشان داده شده است که در ویتنام کشاورزان از طریق آموزش و استفاده از رسانه‌ها توانسته‌اند تنوع زیستی مناطق روستایی را بهبود بخشند (Heong et al, 2014: 7). تبلیغ حمایت و حفاظت از تنوع زیستی از طریق رسانه‌ها بخشی از تعهدی است که در ماده ۱۳ کنوانسیون تنوع زیستی^۱ به آن اشاره شده است. در این ماده بر آگاه‌سازی عمومی و آموزش همگانی حفاظت و حمایت از محیط زیست و تنوع زیستی تأکید گردیده است. مطابق این ماده کشورهای عضو باید: الف- به ارتقای درک بیشتر اهمیت حفاظت از تنوع زیستی و اقدامات ضروری برای تحقق آن کمک و آن را تشویق کنند و از طریق رسانه‌ها برای آن تبلیغ نمایند و این موضوعات را در برنامه‌های آموزشی خود بگنجانند. همانگونه که ملاحظه می‌شود در بند الف ماده ۱۳ صراحتاً طریق حصول این تعهد را «رسانه» اعلام شده است. مطابق بند ب همین ماده، کشورها در زمینه توسعه برنامه‌های

1 .Convention on Biological Diversity. CBD.. (Rio de Janeiro, Jui 5, 1992)



آموزشی و گسترش آگاهی عمومی در رابطه با حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی، با سایر کشورها و سازمانهای بین‌المللی به گونه‌ای مناسب متعهد به همکاری هستند که این امر نیز نیازمند توسعه زمینه‌های رسانه‌ای است.

آنچنانچه از متن این کنوانسیون بر می‌آید رسانه‌ها در خصوص حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی، باید نقش و کارکرد آموزش دهنده، معلومات دهنده و حمایتی خود را ایفاء نمایند. از منظر این کنوانسیون، این تعهد نه تنها باید توسط رسانه‌های هر کشور عضو، بلکه توانان از طریق همکاری‌های رسانه‌ای بین کشورها و سازمان‌ها نیز باید محقق شود.

۲-۲- کنوانسیون دریای کاسپین (خزر)

این کنوانسیون^۱ تنها معاهده مهم ناظر بر حفاظت از محیط زیست دریای کاسپین (خزر) است. این کنوانسیون در سال ۲۰۰۳ میان جمهوری آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان، برای نجات محیط زیست شکننده دریای خزر و جلوگیری از بهره برداری ناپایدار از منابع غیر زنده بستر دریا، منعقد گردید (Janusz, 2005: 257). تعهد به اطلاع رسانی که در بند ۲ ماده ۲۱ ذکر شده ناظر بر نقش رسانه‌ها بویژه تحقق کارکرد معلومات دهنده و بازتاب دهنده رسانه‌ها در این زمینه است. مطابق این ماده طرف‌های متعهد طبق قوانین ملی خود و با توجه به مفاد موافقتنامه‌های بین‌المللی موجود در ارتباط با دسترسی عموم به اطلاعات زیست‌محیطی، تلاش می‌کنند تا دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به شرایط زیست‌محیطی دریای خزر و اقدامات انجام شده یا برنامه‌ریزی شده برای جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی دریای خزر تامین می‌شود. علاوه بر این مطابق پروتکل ۲۰۱۲ حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی^۲، الحاقی به کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر در پیوست شماره دو، به موضوع تولید برنامه‌های آموزشی توسط دول عضو اشاره نموده است. مطابق بند ۳ این سند، دول عضو از تهیه برنامه‌های آموزشی، تحصیلی و ناظر بر آگاه‌سازی اجرای آن‌ها حمایت می‌کنند. از جمله آن‌ها تهیه و اجرای برنامه‌هایی برای بخش کشاورزی برای عامه مردم و در کلیه سطوح تحصیلی با هدف افزایش آگاهی در خصوص منابع پخش آلودگی ناشی از کشاورزی و

1. Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea. (Tehran, Nov 4, 2003)
2. Protocol for the Protection of the Caspian Sea against Pollution from Land-Based Sources and Activities to the Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea. (Moscow, Déc 12, 2012)

تأثیرات آن بر محیط زیست دریایی خزر و محیط زیست مناطق ساحلی، سلامت عمومی و اقتصاد. در بخش‌های دیگری از سند مذکور از ضرورت ایجاد برنامه‌هایی برای تسهیل انتقال مؤثر فناوری و تبادل اطلاعات و گزارش دهی ذکر به عمل آمده است.

بنظر می‌رسد تاکید بر آگاه سازی در بند سوم کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر علاوه بر اینکه ناظر بر ضرورت اجرای کارکردهای معلومات دهنده و آموزش دهنده رسانه‌ها در خصوص مباحث زیست محیطی این پهنه آبی است، در بطن خود، اجرای نقش نظارتی رسانه‌ها را نیز مدنظر دارد؛ چرا که تحقق برخی از اصول مورد تاکید این کنوانسیون نظیر اجرای «اصل پرداخت آلوده‌ساز» بدلیل سودجویی کشورهای دخیل در آلودگی نفتی این دریا، بدون اجرای کارکرد نظارتی رسانه‌ها و در نتیجه ایجاد مطالبه در افکار عمومی، دشوار بنظر می‌رسد.

۳-۲- کنوانسیون آلاینده‌های آلی پایدار

ماده ۱۰ سند^۱ استکهلم بخش کلیدی مرتبط با نقش رسانه است. در این ماده و در بند ۴ تأکید شده است که اعضاء می‌توانند از برگه‌های اطلاعات بهداشتی، گزارش ها، رسانه‌های گروهی و دیگر ابزار اطلاع‌رسانی در تأمین اطلاعات در خصوص آلاینده‌های آلی پایدار و جایگزین آنها استفاده کنند و در سطح ملی و منطقه‌ای مراکز اطلاعاتی را ایجاد نمایند. مهمترین قسمت تأکیدی این سند اشاره به نقش «رسانه‌های گروهی» به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی در این خصوص است. بر این اساس رسانه‌ها می‌توانند زمینه نظارت جهانی را در این زمینه فراهم نماید (Magulova, 2016: 83). در این راستا تأکید شده است که هر عضو باید در حد توان خود در خصوص تشویق و تسهیل برخی موارد که نیازمند تقویت بسترهای رسانه‌ای است، اقدام نماید. این موارد عبارتند از: الف - ارتقاء آگاهی سیاستگذاران و تصمیم‌گیران مرتبط با آلاینده‌های آلی پایدار. ب - در اختیار عموم گذاشتن کلیه اطلاعات موجود در خصوص آلاینده‌های آلی پایدار با ملحوظ نمودن بند (۵) از ماده (۹). پ - تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی خصوصاً برای زنان، کودکان و طبقه کم‌سواد در مورد آلاینده‌های آلی پایدار و اثرات بهداشتی و محیط زیستی و جایگزین آنها. ت - مشارکت عموم در رسیدگی به آلاینده‌های آلی پایدار و اثرات بهداشتی و محیط‌زیستی آن و توصیه در چاره‌جویی لازم از جمله ایجاد موقیعت‌هایی برای تهیه داده‌ها در سطح ملی با توجه به اجرای این کنوانسیون. ث - تعلیم کارگران، متخصصین علمی، مربیان و کادر فنی و مدیریتی. ج - توسعه و مبادله موارد

1. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants, (22 mai 2001)



لازم برای آگاهی عمومی و آموزشی در سطح ملی و بین‌المللی. چ - توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی و تعلیماتی در سطوح ملی و بین‌المللی. علاوه بر این هر کشور عضو باید در چارچوب توان خود اطمینان حاصل نماید که عموم مردم به اطلاعات عمومی مورد نظر در بند (۱) دسترسی دارند و این اطلاعات را مرتباً به روز کند. همچنین هر کشور عضو باید در حد توان خود فعالان صنعت و صاحبان حرف مختلف را تشویق کند که موجبات و تسهیلات لازم برای تأمین اطلاعات مورد اشاره در بند (۱) را در سطح ملی و به صورتی مناسب در سطوح زیر منطقه‌ای و جهانی، فراهم آورند.

کنوانسیون آلاینده‌های آلی پایدار برای تحقق اهداف این کنوانسیون علاوه بر ایجاد تعهد برای دولت‌های عضو جهت بهره‌گیری از کارکردهای معلومات‌دهنده، آموزشی و بازتاب‌دهنده رسانه‌ها، فعالیت‌های رسانه‌ای را صرفاً در سطح ملی کافی نمی‌داند و بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تأکید می‌کند، چرا که تبعات مشکلات محیط زیستی، به مرزهای جغرافیایی کشورها محدود نمی‌شوند.

۴-۲- کنوانسیون میناماتا

کنوانسیون میناماتا^۱ که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید، معطوف به آلودگی جیوه‌ای است. جیوه یک ماده شیمیایی است که به دلیل دامنه وسیع انتقال، پایداری در محیط زیست در ارتباط با انسان، توان آن در انباشت زیستی در بوم سازگان و اثرات منفی مهم آن بر سلامت بشر و محیط زیست نگرانی جهانی را برانگیخته است. در این راستا یکی از تعهدات مهم مورد اشاره در این سند به آموزش و آگاهی و اطلاع رسانی در مورد مضرات جیوه است که به نقش رسانه در این زمینه می‌پردازد (هاشمی، ۱۴۰۰، ۱۱۴). مطابق ماده ۱۸ کنوانسیون میناماتا هر عضو باید در حد توان خود مواردی را ترغیب و تسهیل نماید که از جمله آن‌ها ارائه اطلاعات موجود درباره اثرات زیست‌محیطی و بهداشتی جیوه و ترکیبات آن، جایگزین‌های جیوه و ترکیبات آن و ارائه نتایج فعالیت‌های تحقیقاتی، توسعه‌ای و پایشی خود به موجب ماده (۱۹) است که این موارد بر رسانه‌ها نیز دلالت دارند. در کنوانسیون میناماتا همچنین به ضرورت همکاری سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی مربوط و در صورت اقتضاء، جمعیت آسیب‌پذیر در امر آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی درباره اثرات سوء قرارگرفتن در معرض جیوه و ترکیبات آن بر سلامت انسان و محیط زیست اشاره شده است.

1. Minamata Convention on Mercury. (Kumamoto Oct 10, 2013)

۵-۲- پروتکل کارتاها

این پروتکل^۱ ناظر بر کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، جابجایی و استفاده ایمن از موجودات زنده تغییر شکل یافته استکه حاصل فناوری زیستی جدید هستند. این پروتکل درباره مخاطرات این موجودات برای سلامت انسان به‌ویژه نقل و انتقالات برون مرزی آن‌ها که اثرات زیان آوری بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد، ایجاد شده است (Segger, 2013). ماده ۲۳ این سند نیز در مورد آگاهی، آموزش و مشارکت عمومی در این زمینه است. مطابق این ماده اعضا مکلفند: الف- آگاهی، آموزش و مشارکت عمومی در زمینه انتقال، جابجایی و استفاده امن از موجودات زنده تغییر شکل یافته را در رابطه با حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی و با در نظر گرفتن میزان خطر برای سلامت انسان، ارتقاء دهند و تسهیل کنند و دستیابی عموم به این اطلاعات را تضمین نمایند. اعضا باید در انجام این کارها، در موارد مقتضی، با سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی همکاری کنند. اعضا همچنین مکلف هستند مطابق قوانین و مقررات مربوط به خود، در فرآیند تصمیم‌گیری درباره موجودات زنده تغییر شکل یافته با عموم مردم مشورت کنند و نتایج چنین تصمیماتی را در اختیار عموم بگذارند. به همین سبب نقش انواع رسانه‌های دیداری و شنیداری بسیار مهم است. این پروتکل با تأکید بر لزوم آگاهی‌سازی از اثرات زیان بار انتقال و جابجایی موجودات زنده تغییر شکل یافته بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی، به طور مستقیم بر رسالت رسانه بین‌المللی کشورها برای اطلاع‌رسانی در این زمینه تأکید دارد.

۶-۲- کنوانسیون تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی از موضوعات بسیار مهمی است که نقش رسانه‌ها در این زمینه جدی است. (Boyce, T., & Lewism, 2009. O'Neil et al 2012, 233. Mavrodieva, 2019: 122) در این زمینه گاهی به دلیل انتشار اخبار نادرست جنگ رسانه‌ای به راه می‌افتد. (Treen et al, 2020: 665) در این کنوانسیون^۲ و بر اساس ماده ۴ (بندج) بر تبادل کامل، آزاد و فوری اطلاعات علمی، تکنولوژیکی، فنی، اقتصادی- اجتماعی و حقوقی مربوط به سیستم و تغییرات آب و هوایی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی استراتژی‌های واکنشی مختلف تأکید و از دول عضو

1. Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, Biosafety Protocol, (Cartagena Jan 29, 2000)

2. United Nations Framework Convention on Climate Change. (UNFCCC, New York Mai 9, 1992)

حق بر محیط زیست و رسانه؛ پژوهشی درباره تعهدات مرتبط با رسانه در کنوانسیون‌های ... ۱۷۷



خواسته شده است که آنرا تشویق و در موارد مزبور همکاری نمایند. همچنین در بند خ تأکید شده است که دولت‌ها آموزش، تربیت و افزایش آگاهی‌های عمومی در مورد تغییرات آب و هوایی را تشویق و در آن با یکدیگر همکاری نمایند و عموم مردم از جمله شرکت سازمان‌های غیردولتی را نیز به مشارکت گسترده در این امر ترغیب کنند. در ماده ۶ نیز برای آگاهی‌رسانی عمومی در زمینه تغییرات اقلیمی، اعضاء در اجرای تعهدات خود به موجب جزء (خ)، بند (۱) ماده (۴) متعهد به انجام توسعه و اجرای برنامه‌هایی برای آموزش و آگاهی بخشی به عموم در مورد تغییرات آب و هوایی و اثرات آن، دسترسی عمومی به اطلاعات، مشارکت عموم مردم در مقابله با تغییرات آب و هوایی و اثرات آن، آموزش پرسنل علمی، فنی و مدیریتی و ترویج همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه‌ها هستند.

تشدید تغییرات آب و هوایی، مخاطرات آب شدن یخچال‌ها، وقوع پدیده ال نینو، تشدید بیابان‌زایی، اثرات آسیب دیدن لایه اوزون، تبعات افزایش گازهای گلخانه‌ای از جمله مواردی هستند که باعث شده است که کشورها در این خصوص اتهاماتی علیه یکدیگر مطرح بکنند. بخشی از این مساله به رویکرد سیاسی برخی از کشورها در خصوص تغییرات آب و هوایی بر می‌گردد. بر همین اساس نیز در کنوانسیون تغییرات اقلیمی دولت‌ها مکلف بر کاربست رسانه‌ها برای آگاهی بخشی عمومی، آموزش، حمایت از فعالیت سازمان‌های غیردولتی (از جمله رسانه‌های غیردولتی) در این خصوص، در سطح ملی و ترویج این همکاریها در سطح بین‌المللی شده‌اند.

۷-۲- پروتکل کیوتو

این پروتکل^۱ در راستای کنوانسیون تغییرات اقلیمی و به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در یازدهم دسامبر ۱۹۹۷ در شهر کیوتو در ژاپن به تصویب رسید. مطابق بند ۱۰ ماده ۱۰ این سند به توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی از جمله تقویت ظرفیت‌سازی ملی به ویژه ظرفیت‌های انسانی و سازمانی و تبادل کارکنان یا مأمور نمودن آن‌ها برای آموزش متخصصین در این زمینه به ویژه برای کشورهای در حال توسعه اشاره شده است. همکاری برای تسهیل آگاهی عمومی و دسترسی همگان به اطلاعات راجع به تغییرات آب و هوایی در سطح ملی و در صورت اقتضاء با استفاده از هیأت‌های موجود در این سند مورد توجه قرار گرفته است.

1. Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change (Dec 11, 1997)

پروتکل کیوتو به موازات توجه به جنبه‌های آموزشی و معلومات دهنده رسانه‌ها در سطح ملی، تکالیفی را با هدف اجرای برنامه‌های آموزشی توسط کشورهای توسعه یافته برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته است. یکی از راهکارهای تحقق این تعهد، تولید برنامه‌های مستند آموزشی در راستای اهداف پروتکل کیوتو و کنوانسیون تغییرات اقلیمی برای رسانه‌های کشورهای در حال توسعه یا مشارکت در تولید اینگونه برنامه‌ها می‌باشد.

۸-۲- کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی

بیابان‌زایی و خشکسالی و طوفان‌های گردوغبار بویژه در آسیا و آفریقا یکی از مشکلات مهم محیط زیستی است. در این راستا بخشی از تعهدات کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی^۱ با موضوع رسانه مرتبط است. مطابق ماده ۵ این سند دولتها متعهد هستند آگاهی عمومی را ارتقا دهند و مشارکت جوامع محلی، به ویژه زنان وجوانان، را با حمایت سازمانهای غیردولتی، در کوششهایشان برای بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشکسالی تسهیل نمایند. در چارچوب همین تعهدها، دولتها موافقتنامه‌های بین‌المللی مربوطه را، چنانچه عضو آن باشند، مخصوصاً کنوانسیون ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی و کنوانسیون تنوع زیستی را به منظور کسب حداکثر بهره‌گیری از فعالیتهای انجام شده در چارچوب هر موافقتنامه و در عین حال اجتناب از دوباره کاری، تشویق خواهند نمود. طرفها اجرای برنامه‌های مشترک، به خصوص در زمینه‌های پژوهش، آموزش، مشاهده سیستماتیک، جمع‌آوری و مبادله اطلاعات را تا آنجا که به دستیابی اهداف و موافقتنامه‌های مربوطه کمک کند، تشویق خواهند نمود.

علاوه بر این در ماده ۱۹ بر ظرفیت‌سازی، آموزش و آگاهی عمومی به عنوان یک تعهد از طریق: تقویت ظرفیت آموزشی و تحقیقاتی در سطح ملی در زمینه بیابان‌زدایی و خشکسالی؛ آموزش تصمیم‌گیران، مدیران و افراد ذیربط مسئول؛ همکاری با دیگر کشورها در سازمانهای بین‌المللی و بین‌الدولی و غیردولتی، سازمان‌دهی برنامه‌های ارتقای دانش عمومی در سطح وسیع، ارتقای دسترسی دائمی مردم به اطلاعات، ترغیب به تاسیس انجمن‌هایی ذیربط، توسعه و مبادله کارشناس برای آموزش پرسنل کشورهای در حال توسعه متعهد مبتلا به تاکید شده است.

آموزش عمومی، مشارکت همگانی و همکاری‌های بین‌المللی مهمترین کلیدواژه‌های مورد تاکید کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی می‌باشند که تحقق آنها بدون ارجحیت دادن به نقش رسانه‌ها

1. United Nations Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, particularly in Africa. UNCCD. (Paris-Jui 17, 1994)



امکان‌پذیر نیست. این کنوانسیون علاوه بر تاکید بر تدوین متون درسی مناسب، صریحا بر توسعه برنامه‌های آموزشی برای مخاطبان تاکید می‌کند. تاکید کنوانسیون مذکور بر ارتقای دسترسی دائمی مردم به اطلاعات ذیربط و آموزش مخاطبان، به معنای تعهد دولت‌ها به اختصاص مستمر بخشی از برنامه‌های رسانه‌ای خود به این موضوع و در صورت لزوم تاسیس رسانه‌های جدید برای تحقق این هدف می‌باشد.

۲-۹- کنوانسیون کنترل و مبارزه با دخانیات

مصرف دخانیات با آلودگی هوا مرتبط است. در این خصوص نیز در ۲۱ می ۲۰۰۳ در ژنو سوئیس کنوانسیون کنترل و مبارزه با دخانیات^۱ به منظور حفاظت نسل حاضر و آتی از آثار زیانبار بهداشتی، اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی مصرف دخانیات منعقد گردید (مشهدی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). تاریخ الحاق ایران به این کنوانسیون ۲۶/۵/۲۰۰۵ و تاریخ لازم الاجرا شدن آن دوم فوریه ۲۰۰۶ است. در این سند نیز به موضوع رسانه و نقش آن در ترویج مقابله و کنترل دخانیات ارجاع ویژه داده شده است. البته بیشتر تمرکز این سند بر ترویج ممنوعیت است. مطابق ماده ۱۳ این سند هر عضو باید طبق قانون اساسی یا اصول قانونی خود تعهد کند که هرگونه تبلیغ، ترویج و پشتیبانی مالی از دخانیات را ممنوع اعلام کند. در مورد عضوی که به موجب قانون اساسی یا اصول قانونی خود در موقعیتی نیست که ممنوعیت کامل دخانیات را تقبل کند، پنج سال مهلت داده‌اند که در رادیو و تلویزیون و رسانه‌های چاپی و در صورت اقتضاء در سایر رسانه‌ها مثل اینترنت، حداقل برای تبلیغ، ترویج و پشتیبانی مالی از دخانیات، محدودیت ایجاد کنند.

کشورها برای کنترل و مبارزه با دخانیات، تعهداتی در زمینه‌های تقنینی، قضایی، اجرایی و رسانه‌ای دارند. متن و سیاق کنوانسیون کنترل و مبارزه با دخانیات، نشان می‌دهد که تعهدات رسانه‌ای کشورها در این خصوص نقش پررنگ‌تری دارد؛ چرا که رسانه‌ها کارکرد اصلی را در مقابله با ترویج دخانیات و پیشگیری از آن دارند. ضمن اینکه نقش نظارتی رسانه‌ها در اجرای قوانین ممنوعیت یا محدودیت مصرف دخانیات، از منظر اثر بخشی این قوانین، بسیار مهم است.

1. WHO Framework Convention on Tobacco Control (FCTC)(Geneva, Mai 21, 2003)

نتیجه‌گیری

حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در زمره حق‌های مهم بشری است که در اسناد و اعلامیه‌های متعددی مورد شناسایی قرار گرفته است. دولت‌ها برای ترویج و تضمین و ارتقاء این حق، از ابزارها و تکنیک‌های متعددی استفاده می‌نمایند که یکی از مهمترین آنها استفاده از رسانه‌ها است. بدیهی است ماهیت این تعهدات با توجه به اهداف بلندپروازنه برخی از اسناد بین‌المللی در این زمینه «تعهد به وسیله» است. نقش رسانه در ترویج و ارتقاء حفاظت از محیط زیست از جمله موضوعات مهمی است که کمتر در ادبیات حقوقی بین‌المللی به آن توجه شده است. این نقش می‌تواند مثبت و منفی باشد. در این مقاله سعی شد به بررسی نقش رسانه با توجه به تعهدات بین‌المللی مورد اشاره در اسناد محیط زیستی و در ارتباط با حق بر محیط زیست پرداخته شود. همان‌گونه که در بررسی موردی اسناد گذاشت، پیشنهاد‌های رسانه‌ای متعددی را می‌توان از میان این اسناد استخراج نمود که به برخی موارد آن در طول پژوهش اشاره گردید.

به عنوان نتیجه کلی می‌توان به دو نکته اساسی زیر اشاره نمود:

۱- نخست اینکه برخی مولفه‌های حق بر محیط زیست از جمله حق دسترسی به اطلاعات محیط زیستی و حق بر مشارکت و نیز حق بر آموزش در زمینه محیط زیست، ارتباط مستقیمی با فعالیت و نقش رسانه‌ها دارند. به این صورت که تبلور این حقوق که در عین حال بخشی از تعهدات دولت‌ها برای مشارکت موثر مردم در زندگی عمومی محسوب می‌شود، در گرو ایفای نقش رسانه‌ها و حمایت دولت‌ها از آن است. کارکرد رسانه‌ها در این خصوص شامل همه وجوه نظارتی، حمایتی، نظم دهنده، آموزش دهنده، بازتاب دهنده و معلومات دهنده می‌شود. با وجود این در برخی از کنوانسیون‌ها، نقش آموزش دهنده و معلومات دهنده رسانه‌ها و در برخی دیگر کارکرد نظارتی و حمایتی رسانه‌ها بیشتر مورد توجه تدوین کنندگان اسناد قرار گرفته است.

۲- دوم اینکه در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی محیط زیستی متعددی به نقش رسانه‌ها در ایفای تعهدات محیط زیستی دولت‌ها اشاره و مکانیزم‌ها و راهکارهای متعددی پیش بینی شده که در هیئت تعهد در کنوانسیون‌های مذکور آمده است. در این میان همکاری دولت‌ها در زمینه تقویت نقش رسانه در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست و تضمین حق بر محیط زیست شهروندان اهمیت به مراتب بیشتری دارد. در این خصوص برخی از اسناد بین‌المللی، علاوه بر رسانه‌های ملی و غیردولتی کشورها، بطور مستقیم یا غیرمستقیم کارکرد رسانه‌های

بین‌المللی را نیز در ترویج حق بر محیط زیست سالم مورد تاکید قرار داده و تعهداتی در این خصوص برای دولت‌های متعاقد ایجاد کرده اند.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

- پیشنهاد می‌شود در راستای تعهدات کنوانسیون‌های محیط‌زیستی مورد اشاره که ایران عضو آنهاست، مجموعه‌ای مستند از فعالیت‌های ترویجی رسانه‌ای کشور در این خصوص ساخته شود.
- پیشنهاد می‌شود پرس تی وی مستندی در خصوص سهم قدرت‌های بزرگ در ایجاد مخاطرات محیط زیستی در جهان از جمله افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای و رویکرد دوگانه رسانه‌های اصلی این کشورها به این موضوع تولید نمایند.
- اهمیت روزافزون «ارتباطات زیست محیطی» و «حقوق بشر زیست محیطی» در قالب برنامه‌های کارشناس محور مورد تبیین قرار گیرد.
- با توجه به تاکید کنوانسیون‌های محیط زیستی به نقش رسانه‌ها از منظر اطلاع‌رسانی، مشارکت عمومی و آموزش، و همچنین از آنجا که ایران، سوریه و عراق با معضلات مشترک محیط زیستی بویژه پدیده غبار مواجه هستند، پیشنهاد می‌شود شبکه العالم تولید مشترک برنامه مستند با شبکه‌های عراق و سوریه را پیگیری نماید.
- تجارب رسانه‌ای موفق در سطح بین‌الملل در خصوص کنترل یا کاهش آلودگی محیط زیست، در قالب گزارش‌های ویژه در شبکه‌های برون مرزی مورد توجه قرار گیرند.
- با توجه به تأثیر ناگوار تحریم‌های بین‌المللی بر نقض حق بر محیط زیست شهروندان ایرانی (مشهدی و رشیدی، ۱۳۹۵) ضروری است مشکلات و مصائبی که ایران در این زمینه با آنها مواجه است، در قالب برنامه‌های برون مرزی برای مراجع بین‌المللی منعکس گردد.
- با توجه به زمینه و جایگاه حق بر محیط زیست در تعالیم اسلامی، این جنبه از ظرفیت ایرانی-اسلامی در برنامه‌های برون مرزی پر رنگ گردد.
- در راستای تعهد ماده ۱۳ کنوانسیون تنوع زیستی که ایران نیز عضو آن است، برنامه‌های کارشناسی ویژه‌ای برای آگاه‌سازی عمومی در مورد وضعیت تنوع زیستی در ایران و اقدامات انجام شده تهیه گردد.
- در برنامه‌های برون مرزی باید به حساسیت مواضع رسمی کشور در زمینه تغییرات اقلیمی، آب‌های مرزی و نظایر آن دقت بیشتری داشت. لذا پیشنهاد می‌شود یک کارگروه مشورتی در این زمینه تشکیل شود.



- پیشنهاد می‌شود آسیب‌ها و مشکلات زیست محیطی ناشی از عدم‌رعایت حقوق و تکالیف زیست محیطی توسط برخی از کشورهای منطقه (مانند ترکیه و افغانستان) در حوزه‌های زیست محیطی (مانند تأمین آب) به‌طور مستمر در برنامه‌های میزگردی، مستند و ... منعکس شود. رویکرد این برنامه‌ها باید بسترسازی برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت رفع آسیب‌های مذکور باید باشد.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- تحلیل جایگاه تعهد به اقدام ملی در زمینه رسانه‌ها و محیط زیست؛ مورد پژوهی ایران ضمن مقایسه با سایر کشورها
- تحلیل قوانین و مقررات مربوط به رسانه و محیط زیست در حقوق داخلی ایران با توجه به کنوانسیون‌های محیط زیستی
- گونه‌شناسی انواع تدابیر پیش‌بینی شده در مورد رسانه و محیط زیست در اسناد بین‌المللی
- رویکرد رسانه‌ای به تحریم و محیط زیست.
- نقش مواضع رسانه‌ای دولت‌ها در فرآیند دعاوی و ادعاهای محیط زیستی دولت‌ها

حق بر محیط زیست و رسانه؛ پژوهشی درباره تعهدات مرتبط با رسانه در کنوانسیون‌های ... ۱۸۳

منابع و مأخذ

منابع فارسی

پالمرتز، مارک (۱۳۸۸)، «آیین مند نمودن حقوق محیط زیست؛ بررسی کنوانسیون آرهوس»، ترجمه علی مشهدی، **مجله حقوقی داور**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

پارسا، علی‌رضا (۱۳۷۷)، «محیط زیست و حقوق بشر»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۳۵-۱۳۶.

پیری، مریم و ناصر قاسمی (۱۳۸۸)، «بررسی حقوقی - قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست»، **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره یازدهم، ش ۳.

تقوی، لعبت؛ اوین حبیبی و لیلیا اسد امرجی (۱۳۹۵)، «بررسی اهمیت و جایگاه رسانه در حفاظت از محیط زیست با رویکرد توسعه پایدار»، **نشریه مطالعات رسانه‌ای**، ش ۳۲-۳۳.

دبیری، فرهاد و عارف واحد (۱۳۹۰)، «رسانه‌ها و توسعه حقوق محیط زیست»، **مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست**، ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۰.

رستمی، مرجان (۱۳۹۳)، «رابطه بین حقوق محیط زیست و نقش رسانه‌ها»، **دومین همایش ملی برنامه ریزی، حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار**، تهران.

کشاوری، اسماعیل (۱۳۸۷)، **مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.

گودرزی، محسن و یاسر اشراقی (۱۳۹۴)، «ارتباطات زیست‌محیطی و آسیب‌شناسی نقش زیست‌محیطی رسانه‌های ایرانی» **پژوهش‌های ارتباطی**، ش ۸۴، صص ۳۱-۹.

کریمی، رویا؛ سید یوسف حجازی و عبدالمطلب رضایی (۱۳۹۸)، «نقش رسانه و مولفه‌های آموزش محیط زیست بر رفتار زیست محیطی اعضای سازمان‌های مردم نهاد محیط زیستی استان تهران»، **فصلنامه علوم محیطی**، دوره ۱۷، ش ۱.

مشهدی، علی و مهناز رشیدی (۱۳۹۴)، «تأثیر تحریم‌های وضع شده علیه ایران بر محیط زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین‌الملل»، **پژوهش حقوق عمومی**، ش ۴۶.

مشهدی، علی (۱۳۹۲)، **حق بر محیط زیست سالم**، انتشارات میزان، ج اول.

مشهدی، علی (۱۳۹۶)، **حقوق بشر و محیط زیست**، تهران: انتشارات خرسندی.

مشهدی، علی (۱۳۹۲)، **حقوق آلودگی هوا**، تهران: انتشارات خرسندی.

منتظر قائم، مهدی و رضوانه عرفانی حسین پور (۱۳۹۵)، «رسانه و محیط‌زیست؛ مقدمه‌ای بر ارتباطات زیست‌محیطی»، **مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ**، ش ۶، صص ۱۴۵-۱۷۰.





ویژه، محمدرضا (۱۳۸۵)، «حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست: بررسی حقوق بشر اروپایی»، **مجله**

محیط‌شناسی، ش ۴۰.

هاشمی، سیمین (۱۴۰۰)، آلودگی جیوه‌ای در حقوق بین‌الملل براساس کنوانسیون میناماتا و تعهدات جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، به راهنمایی علی مشهدی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.

منابع انگلیسی

- Anderson, A. (2014), **Media, environment and the network society**. London: Palgrave Macmillan.
- Anoukaha (F.) (2002), «le droit à l'environnement dans le système de Africain de protection de droit de l'homme», **Dschang**
- AlwiDahlan, M. (1989), The Environmental Approach to Mass Media Coverage. **Media Asia**, 16(4), 219-222.
- Boyce, T., & Lewis, J. (Eds.). (2009), **Climate change and the media** (Vol. 2). Peter Lang.
- Chowdhury, S., Aich, U., Rokonuzzaman, M., Alam, S., Das, P., Siddika, A., ... & Callaghan, C. T. (2023), Increasing biodiversity knowledge through social media: A case study from tropical Bangladesh. *BioScience*, 042.
- Dahlan, M. A. (1994), Expanding the role of media in environmental protection. **Media Asia**, 21(3), 157-163.
- Janusz, B. (2005), The framework convention for the protection of the marine environment of the Caspian Sea. *Chinese Journal of International Law*, 4(1), 257-270.
- Hansen, A. (2018), Environmental communication. **The International Encyclopedia of Strategic Communication**, 1-10.
- Heong, K.L., Escalada, M.M., Chien, H.V. and Cuong, L.Q. (2014), Restoration of rice landscape biodiversity by farmers in Vietnam through education and motivation using media. *SAPI EN. S. Surveys and Perspectives Integrating Environment and Society*, (7.2).
- Kiss, Alexandre, Dinah Shelton (1997), **Manual of European environmental law**, Cambridge University Press. p85.
- Lester, L. (2020), **Media and the environment**. In *The Media and Communications in Australia* (pp. 321-326). Routledge.
- Liu, P., Han, C., & Teng, M. (2021), The influence of Internet use on pro-environmental behaviors: An integrated theoretical framework. **Resources, Conservation and Recycling**, 164, 105162.
- Magno, F. A. (1996), Media and environmental change. **Peace Review**, 8 (1), 41-47.
- Magulova, K., & Priceputu, A. (2016), Global monitoring plan for persistent organic pollutants (POPs) under the Stockholm Convention: Triggering, streamlining and catalyzing global POPs monitoring. *Environmental pollution*, 217, 82-84.

- Mavrodieva, A. V., Rachman, O. K., Harahap, V. B., & Shaw, R. (2019), Role of social media as a soft power tool in raising public awareness and engagement in addressing climate change. *Climate*, 7 (10), 122.
- O'Neill, S., & Boykoff, M. (2012), The role of new media in engaging the public with climate change. **Engaging the public with climate change**, 233-251.
- Priest, S. (2022), Mapping media's role in environmental thought and action. In **The Routledge handbook of environment and communication** (pp. 367-378). Routledge.
- Rahmani, H., Wafa, W., & Yar, F. G. M. (2021), The Importance of Public Awareness in Environmental Protection: A Case Study in Paktika, Afghanistan. **Nature Environment and Pollution Technology**, 20 (4), 1621-1626.
- SoleimanpourOmran, M. (2014), The effect of educating environmental ethics on behavior and attitude to environment protection. **European Online Journal of Natural and Social Sciences**, 3(3 (s)), pp-141.
- Treen, K. M. D. I., Williams, H. T., & O'Neill, S. J. (2020), Online misinformation about climate change. **Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change**, 11 (5), e665.
- Sainteny, G. (1994). Les médias français face à l'écologisme. *Réseaux. Communication-Technologie-Société*, 12 (65), 87-105.
- Segger, M. C. C., Perron-Welch, F., & Frison, C. (Eds.). (2013), Legal aspects of implementing the Cartagena protocol on biosafety. Cambridge University Press.
- Zarsky, Lyuba (2002), **Human Rights & Environment conflicts and norms in a globalizing world**, Earthscan publications, pp.199-201.

اسناد بین‌المللی

- Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, Biosafety Protocol, (Cartagena Jan 29, 2000).
- Convention on Biological Diversity. CBD. (Rio de Janeiro, Jui 5, 1992)
- Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea. (Tehran, Nov 4, 2003)
- Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change (Dec 11, 1997)
- Minamata Convention on Mercury (Kumamoto Oct 10, 2013)
- Protocol for the Protection of the Caspian Sea against Pollution from Land-Based Sources and Activities to the Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea. (Moscow, Déc 12, 2012)
- Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants, (22 mai 2001)
- United Nations Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, particularly in Africa. UNCCD. (Paris-Jui 17, 1994)
- United Nations Framework Convention on Climate Change. (UNFCCC, New York Mai 9, 1992)
- WHO Framework Convention on Tobacco Control (FCTC) (Geneva, Mai 21, 2003)